



شماره ۷۳، تابستان ۲۰۱۶
فصلنامه‌ای برای تعلیم، تجهیز و تشویق
شبانان و خادمین

یادنامه لئونارد ناتان استیوارت

سه روش موعظه بهشت

مرگ مسیحی: جشن یا سوگواری؟



لئونارد ناتان استیوارت (۱۹۴۸-۲۰۱۶)

Rev. Leonard Nathan Stewart

شماره ۷۳، تابستان ۲۰۱۶، فصلنامه‌ای برای تعلیم، تجهیز و تشویق شبانان و خادمین



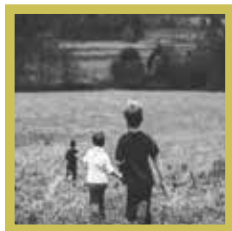
۸
خدمات مختلف
در کتاب مقدس



۱۲
سه روش موعظه
بهشت



۲۰
مرگ مسیحی:
سوگواری یا
جشن؟



۲۲
پنج روش صحبت
با کودکان در مورد
مرگ

سخن سردبیر / ۲

یادنامه کشیش لئونارد ناتان استیوارت / ۴

خدمات مختلف در کتاب مقدس / ۸

سه روش موعظه بهشت / ۱۲

دعوت الاهی را با چه حالتی بشنویم / ۱۵

خدمت به افراد بیمار و در حال مرگ / ۱۸

مرگ مسیحی: سوگواری یا جشن؟ / ۲۰

پنج روش صحبت با کودکان در مورد مرگ / ۲۲

طرح موعظه از کشیش تیت استیوارت / ۲۶



یادنامه کشیش لئونارد ناتان استیوارت

سخن سردبیر

که آنچه در شبان می‌خوانید باعث تشویق شما در خدمت مسیحی، بسط موثر پیام انجیل در میان فارسی‌زبانان، و پرداختن به موضوعاتی باشد که امروز در خدمت خود با آن دست و پنجه نرم می‌کنید. با این اوصاف، از شما تقاضا می‌کنم، در صورتی که سوالی داشتید و یا اگر موضوعی ذهن شما را درگیر کرده با ما در میان بگذارید تا با کمک شبانان باتجربه و امکاناتی که در دست داریم در قالب مجله شبان به این موضوعات/سوالات بپردازیم. همچنین اگر نظر یا پیشنهادی دارید، حتماً با ما در میان بگذارید. اطلاعات تماس با مجله را می‌توانید در صفحه فهرست پیدا کنید. اگر مایل به دریافت نسخه چاپی مجله هستید، اشتراک مجله بهترین روش برای بقا و بهبود کیفی آن است. البته فعلاً به صورت محدود به انتشار نسخه چاپی ادامه خواهیم داد تا به تعداد مخاطب نسخه چاپی پی ببریم. نسخه الکترونیکی این مجله در وبسایت‌های مختلف مسیحی قابل دسترسی

در دومین شماره از نسخه جدید مجله شبان به موضوع مرگ و بهشت از دیدگاه شبانی خواهیم پرداخت. در حقیقت، مقاربت مرگ دوست و همکارمان کشیش لن استیوارت با انتشار این شماره بهانه‌ای شد که به پاس قدردانی از خدمات و یادبود زندگی او به این موضوع بپردازیم- موضوعی که شاید در دنیای فارسی‌زبان مسیحی به اندازه کافی بدان پرداخته نشده است. از این رو، انتخاب مقالات حول محور این موضوع قرار گرفت تا دست‌کم به معدود مواردی که در این زمینه به کار و خدمت شبانان می‌آید، نگاهی بیندازیم. همچنین زندگینامه کشیش لن را که از زبان همسرش در روز خاکسپاری ایراد شده بود به فارسی ترجمه کردیم و موعظه کشیش تن استیوارت را که در همان روز وعظ شده بود به صورت طرح موعظه در این شماره از شبان آوردیم. هدف ما در ادامه انتشار شبان نگاهی تخصصی-کاربردی به الاهیات شبانی است. در این راستا، تلاش ما بر این است

شبان

SHABAN MAGAZINE

برای ارسال پیشنهادات و ارتباط مستقیم با سردبیر می‌توانید با پست الکترونیکی زیر تماس بگیرید.

info@judeproject.org



شماره ۷۳، تابستان ۲۰۱۶

۳

فراخوان مقاله

از همه شبانان و خادمین کلیساهای فارسی‌زبان دعوت می‌کنیم تا برای شماره بعدی مجله شبان مقالات خود را با محوریت «ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس» در زمینه (۱) کاربرد (۲) دلایل ارجحیت یا عدم آن (۳) تجربه شبانی شما (۴) تهیه موعظه به سردبیر مجله ارسال کنید.

مهلت ارسال مقالات و نظرات

۲۰ سپتامبر ۲۰۱۶



انتشارات جام
جهان ادبیات مسیحی

است و به راحتی می‌توانید خود شما نیز آن را با دیگران به اشتراک بگذارید. در صورت تمایل به کمک مالی، می‌توانید از دو سازمان تعلیم و جود پراچکت وجوه را تحت نام «شبان» به ما ارسال کنید. با مراجعه به وبسایت این دو سازمان می‌توانید از روشهای ارسال کمک مالی مطلع شوید.

در انتها، از صحبت‌های تشویق‌آمیز و پرمهر شما درباره نسخه جدید شبان سپاسگزارم. آرزو و دعای ما این است که مطالب این شماره نیز باعث بنای کلیسای فارسی‌زبان در اقصا نقاط جهان باشد و با پولس همصدا شده و ... شما را به خدا و به کلام فیض او می‌سپارم که قادر است شما را بنا کند و در میان جمیع مقدسین شما را میراث بخشد (اعمال رسولان ۲۰: ۳۲)

این شماره از شبان را به دوست و برادر عزیز کشیش لئونارد

استیوارت تقدیم می‌کنیم. یاد و خاطره‌اش گرمی باد. ■

یادنامهٔ کشیش
لئونارد ناتان
استیوارت
(۱۹۴۸-۲۰۱۶)

این یادنامه در روز خاکسپاری لئونارد
از زبان همسرش جولی
برای عموم خوانده شده است.

لئونارد ناتان استیوارت سوم مارس ۱۹۴۸ در بیمارستان میسیون پرزبیتری تبریز در ایران، جایی که پدرش زمان شاه در آن جراح بود به دنیا آمد. پدرش اشتون استیوارت، یک مبشر روستایی بود با دلی برای خدمت به مردم ایران و افغانستان. لن اغلب در مورد این صحبت می‌کرد که پدرش چگونه ماشین جیب را از دارو پر می‌کرد و آخر هفته‌ها با بچه‌ها به تپه‌های دور دست ایران می‌رفت و در آنجا چادر می‌زد و درمانگاهی بر روی فرش ایرانی‌ای که اهالی روستا در وسط روستا پهن می‌کردند برپا می‌کرد. مادرش ناتالی استیوارت، که خودش پرستار بود، به خاطر می‌آورد که بیمارستان در آن روز از ماه مارس شلوغ بود و برای به دنیا آوردن لن در راهرو همراه کلاگی که بر روی پنجره نشسته بود تنها بود. آن روز آغاز زندگی‌ای شد که برکاتی را به زندگی افراد از زبان‌ها و قبایل مختلف به ارمغان آورد.

زندگی در بیمارستان برای شش فرزند خانواده استیوارت پر ماجرا بود. وقتی پدر آنها غرق در خدمت پزشکی به ایرانیان، آذری‌ها و کردهای منطقه بود، لن و برادرانش با بچه‌های همسایه تیله بازی می‌کردند، در حیاط بیمارستان خانه‌های گلی می‌ساختند و از گوسفندها و کبوترها نگهداری می‌کردند. بزرگ شدن با افراد بومی باعث شد لن در جوانی در زبان آذری متبحر شود و بعدها که به مدرسه شبانه‌روزی در تهران رفت، زبان فارسی‌اش هم روان شد. او اغلب به خاطر اینکه فرزند «فرهنگ سوم» بود، احساس تنهایی می‌کرد؛ نه کاملاً به عنوان یک بچه آمریکایی شناخته می‌شد و نه

کاملاً با فرهنگ ایرانی خو گرفته بود. با این وجود، تجربیات خاطره‌انگیز دوران کودکی مثال‌های ارزشمندی برای موعظه در سال‌های آینده، فراهم کرد.

یکی از خاطرات قدیمی او درباره «مو» بود، نجاری که اثاثیه بیمارستان را ساخت و تعمیر می‌کرد. وقتی مو برای عبادت اسلامی جانمازش را پهن می‌کرد و مه‌ری را که از مکه آورده بود به سمت قبله می‌گذاشت و نماز می‌خواند، لن با او مکالمات طولانی‌ای داشت. لن این را اولین موعظه خود در سن هشت سالگی بعد از گرفتن کتاب مقدس برای کریسمس می‌دانست. او از مو خواست تا درباره ایمان اسلامی توضیح دهد و سپس با خواندن کتاب مقدس درباره عیسی برای او کارش را ادامه داد. همین‌طور داستان گوسفندهای داخل حیاط بیمارستان که بیماران پدرش به جای پرداخت ویزیت می‌دادند فراموش نشدنی است. یا داستان کباب و غذای ایرانی؛ آنقدر ساده بود که بدون توجه به خطرش، به میان شعله‌های آتش منقل رفته بود تا کباب‌ها را بپزد.

داستان خنده‌داری در موعظه‌اش درباره پسر گمشده بود. به عنوان یک پسر شجاع ده ساله، لن جرات کرد تا ریسک کند و از روی لایه‌ای که سطح چاه فاضلاب را پوشانده بود رد شود، اما خیلی زود تا گردن در چاه فاضلاب فرو رفت. در ادامه داستان وقتی که مادرش آمد تا او را با شلنگ آب بشورد، پدر پسر گمشده آمد تا به پسرش که شبیه خوک‌ها شده بود خوش‌آمد بگوید- تصویر مشابه وحشتناکی برای یهودیان آن روزها. حتی در گناهان‌مان چه نمونه قدرتمندی از محبت خدا به دنبال ما جاری است. در واقع، لن در ماه‌های آخر زندگی‌اش به طور مضاعفی نسبت به محبت «پدر» در سراسر کتاب مقدس آگاه شده بود. او می‌گفت که حتی عهد

عتیق پر است از اطمینان نسبت به اینکه چقدر پدر ما را دوست دارد.

همچنین وقتی لن در سن چهارده سالگی به آمریکا برگشت تا به مدرسه شبانه-روزی استونی بروک^۱ در لانگ آیلند^۲ برود، او تنهایی را تجربه کرد. پدر و مادرش نتوانستند برای جشن فارغ‌التحصیلی دبیرستان او از ایران بیایند و لن بیشتر تابستان‌ها در اردوگاه‌های تابستانی کار می‌کرد. سه سال بدون اینکه پدر و مادرش را ببیند سپری شد. ناتوانی او در بازی فوتبال آمریکایی به خاطر بیماری آسم و کشمکش‌هایش برای موفقیت در دانشگاه او را فروتن نگه داشت. با اینکه سخت بود، اما این تجربیات ایمان وفادار لن به خداوند را بنا کرد. طوری شد که هنگام فارغ‌التحصیلی مدال طلای استونی بروک به عنوان شخصیت نمونه، به او اهدا شد.

لن عاشق مسافرت بود. از گذشتن از اقیانوس اطلس با کشتی گرفته تا عبور از اروپا با قطار، عرق ریختن طی سفرهای خانوادگی در افغانستان با مینی‌بوس‌های بدون کولر در تابستان، و آواز خواندن در شانزده کشور همراه باشگاه سرود وی‌تون^۳، داستان مسافرت‌های لن شاد و عجیب و غریب بود. این تجارب زمینه برقراری ارتباط با مردم را در هر جایی که می‌رفت فراهم کرده بود. در واقع، اخیراً در مسیرمان به سمت لیسبون با خانومی پرتغالی در راهروی هواپیما گفتگو کردیم. لن با او در مورد باشگاه سرود ویتون صحبت کرد و برای اینکه او را تعجب‌زده کند، قسمتی از سرود ملی پرتغال را خواند. او چند خطی را با لن همراهی کرد ولی گفت بهتر است که ادامه ندهند چون در غیر این صورت مزاحم بقیه مسافران خواهند شد.

قابل توجه اینکه اسم دوم لن، ناتان بود. در عبری «ناتان یا نتنائیل» یعنی «خدا داد» و مطمئناً او هدیه‌ای بود که خدا به مردمی که می‌شناختندش داده بود. لن آدم مردم‌داری بود. بزرگترین لذت او گفتگوهای طولانی با دوستان و خانواده و ترجیحاً در مورد مسایل روحانی بود. او همیشه نگران بود که شاید کسی درباره هدیه رایگان نجات در عیسی چیزی

نشنیده باشد. او به طور خاص برای بعضی افراد دعا می‌کرد و از خدا می‌خواست که زمانی به او عطا کند تا بتواند انجیل را با آنها در میان بگذارد. شخص نتنائیل که برای دیدن عیسی از درخت انجیر بالا رفته بود تصویری از لن بود. وقتی عیسی نتنائیل را دید گفت: «اینک اسرائیلی حقیقی که در او مکر نیست». درست مثل اسمش، لئونارد ناتان استیوارت شخصی بود بدون مکر و حيله. لن نسبت به هیچ‌کس کینه‌ای نداشت؛ حتی نسبت به کسانی که عمیقاً او را آزرده بودند. او هرگز به ما شک نکرد و هیچ وقت انگیزه و صداقت ما را زیر سوال نبرد. این بارزترین خصوصیت او بود و مردم به خاطر همین دوستش داشتند چرا که در دوستی‌شان با او احساس امنیت می‌کردند. در طول این صفتی بود که او را بین فرانسوی‌ها محبوب کرده بود. یکی از دوستان فرانسوی یک بار گفت بیشتر خادمین آمریکایی که در فرانسه هستند برای وفق پیدا کردن با محیط تقلا می‌کنند چون ما فرانسوی‌ها فکر می‌کنیم بهترین روش انجام کارها را می‌دانیم. لن فروتن بود و خود را کوچک می‌دانست و اجازه می‌داد که دیگران احساس کنند نظرات‌شان شنیده شده و مورد استقبال گرفته است. آنها به خاطر این دوستش داشتند و قلب شبانی او را پذیرفته بودند.

لن اغلب احساس می‌کرد که می‌توانسته کارهای بیشتری در زندگی‌اش برای پیشرفت انجیل انجام دهد، اگرچه او یک میراث روحانی به جا گذاشت: کمک برای شروع کلیسایی در حومه پاریس و شبانی آن و اخیراً آماده کردن پطرس که یک ایرانی بود برای دستگذاری در یک کلیسای پرزبیتی بین‌المللی. وقتی پطرس دستگذاری شود اولین کشیش پرزبیتی دانمارک خواهد بود. پطرس در ابتدا تک رو بود اما ایمان استوار له به او در طول سالیان کمک کرد تا او در یک خدمت خیلی تاثیرگذار به پناهجویان ایرانی و افغان قرار بگیرد. لن مثل برنابا بود، کسی که به دنبال مردم رفت و آنها را برای همراهی جستجو می‌کرد.

شاید بزرگترین میراثی که لن به جای گذاشته است

زندگی‌هایی باشند که او با مشاوره و محبتش لمس کرد. هر روز صبح می‌توانستید او را در صندلی همیشگی‌اش با کتاب مقدس و «نور روزانه» روی زانوهایش پیدا کنید. مادر لن سال‌ها پیش این را به صورت یک کار روزانه برای بچه‌هایش قرار داده بود. لن و خواهر و برادرانش هر روز صبح با او مطالعه کتاب مقدس داشتند. آنها عاشق این بودند که چگونه مادرشان به داستان‌های کتاب مقدس جان می‌داد و سرودهایی را که با علاقه در کلاس درسی که در بیمارستان بود می‌خواندند، به یاد می‌آوردند. لن در سراسر زندگی‌اش آن سرودهای قدیمی را دوست داشت و تا آخرین روزهای عمرش آنها را می‌خواند. در ماه‌های آخر زندگی‌اش او به افراد فامیل و دوستان یادآوری می‌کرد که «اگر می‌دانید خدا دوست‌تان دارد، همه چیز بسیار خوب است». این کلمات ساده هر روز برای ما عمق و ژرفای بیشتری می‌گرفت. ما از اینکه عضوی از خانواده یا دوستش بودیم برکت یافتیم و اطمینان از محبت خدا که از طریق او در همه ما تجلی پیدا کرده را احساس کردیم.

لن عزیزم، دل‌مان خیلی زیاد برایت تنگ می‌شود، برای اشتیاق، وفاداریت، و عشق پاک و ساده‌ات برای عیسی. هیچ دوستی و صمیمیت بزرگتری نمی‌توانست وجود داشته باشد جز چیزی که در کنار تو تجربه کردم. ممنونم از اینکه مرا پذیرفتی، بدون توقع دوستم داشتی، ایمان داشتی و همه چیز را تحمل کردی. آفرین به تو همسر، پدر، کشیش و دوست وفادار. ما تو را به آغوش با محبت عیسی می‌سپاریم و منتظر روزی هستیم که تو را دوباره خواهیم دید. ■

همسر قدردان تو

جولی

پی‌نوشت:

۱. Stony Brook

۲. Long Island - جزیره‌های در شرق نیویورک

۳. Wheaton Glee Club

۴. Daily Light Devotional



اعتقادنامه وست مینستر
همراه با ارجاعات کتاب مقدس

order@judeproject.org

برای تهیه این کتاب با ما تماس بگیرید و از تخفیف ویژه کلیسایی برخوردار شوید.



استشارات جام
جهان ادبیات مسیحی

بخش سوم

خدمات مختلف در کتاب مقدس

«و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا
و بعضی مبشرین و بعضی ثبانات و بعضی معلمان را»
(افسیان ۴: ۱۱)



تت استیوارت

شبان
SHABAN MAGAZINE

شماره ۷۳، تابستان ۲۰۱۶



که این دعوت درونی باید با شهادتی بیرونی تایید شود، و این بُعد دعوت از سوی کلیسا تحقق می‌پذیرد. زمانی که دعوت درونی و بیرونی در کنار یکدیگر پدیدار گردند، می‌توان با اطمینانی بسیار دانست که دعوت خدا تایید شده است. این تایید به شخصی که دعوت شده است، شادی و آرامشی زائدالوصف می‌بخشد.

اکنون می‌خواهیم به این موضوع بپردازیم که در بدن مسیح چه نوع خدماتی وجود دارد. پولس رسول از پنج خدمت

در این مجموعه از مقالات، قصدم این است به سوالات جستجوگران صادقی پاسخ دهم که به راستی مشتاق‌اند بدانند که آیا از سوی خدا برای انجام خدمتی خاص در کلیسا دعوت شده‌اند یا نه. نخست دیدیم که خدای ما شخصا در تاریخ مداخله می‌کند و افراد را برای خدماتی خاص فرا می‌خواند. سپس دیدیم که دعوت خدا دارای شهادتی درونی است که روح‌القدس به واسطه آن مستقیماً با شخص سخن می‌گوید و او را به خدمت فرا می‌خواند. اما همچنین دیدیم

او می‌باشد.» در کتاب اعمال، می‌بینیم که رسولان بشارت می‌دادند (اعمال ۲)، معجزه به عمل می‌آوردند (اعمال ۲: ۴۳؛ ۵: ۱۲)، نوایمانان را تعلیم می‌دادند (اعمال ۲: ۴۲)، و در ساختار کلیسا تغییراتی می‌دادند تا افراد بتوانند به نیازمندان رسیدگی کنند (اعمال ۶: ۱-۴). اما مهم است توجه داشته باشیم که رسولان حکمرانانی نبودند که کلیسا را کنترل کنند، بلکه رهبران روحانی دانایی بودند که تحت هدایت روح‌القدس کلیسا را رهبری می‌کردند. ایشان کسانی بودند

خاص نام می‌برد که خداوند عیسی به کلیسا ارزانی می‌دارد. در این مقاله خواهیم کوشید تعریفی از کتاب‌مقدس دربارهٔ این خدمات که در افسسیان ۴: ۱۱ یافت می‌شود، به دست بدهم.

رسولان

طبق تعریف کتاب‌مقدس، رسول کسی است که «از سوی مسیح رسالت یافته (متی ۱۰: ۲؛ مرقس ۳: ۱۴؛ لوقا ۶: ۱۳)، و شخصا از جانب مسیح تعیین شده، و شاهد قیام

که خدا مقرر کرده بود تا مکاشفه خود را به کلیسای اولیه بدهند؛ تعالیم آنها قرار بود بنیاد تمام اعتقادات و عمل کلیسا را تشکیل دهد (اعمال ۱۵: ۱-۳۵). مسیحیان اولیه این امر را بدون هیچگونه سوالی پذیرفته بودند (اعمال ۲: ۴۲). برای من بسیار جالب است که نقش رسولان هیچگاه تبدیل به منصبی نهادین نشد، مانند نقش شبانان یا مبشرین. لذا ما منصب رسول را در کلیسای اولیه مشاهده نمی‌کنیم.

کلمه یونانی «رسول» به سه طریق مختلف به کار رفته است. (۱) کسی که در مقام فرستاده یا نماینده مقامی برتر گسیل داشته می‌شود؛ (۲) کسی که نماینده شخصی از سوی فردی است که او را می‌فرستد؛ و (۳) کسی که با اقتدار الهی سخن می‌گوید. آگاهی از این تعریف‌ها کمک می‌کند تا دریابیم که رسولان جایگاه خاصی در نقشه خدا داشتند و رسالت آنان این بود که حقایق بنیادین را برای کلیسا به ما بدهند. این حقیقت را در مکاشفه ۲۱: ۱۴ می‌خوانیم که می‌فرماید: «و دیوار شهر دوازده اساس دارد و بر آنها دوازده اسم دوازده رسول بره است.»

پس از بذل توجه به نقش خاص دوازده رسول اولیه، مهم است که بدانیم عهد جدید درباره کسان دیگری نیز سخن می‌گوید که رسول خوانده می‌شده‌اند. پولس، اندرونیکوس و یونیس را رسول می‌خواند (رومیان ۱۶: ۷). پس خدمت آنان چه تفاوتی و چه شباهتی با آن دوازده رسول داشت؟ آنها به طور خاص خدمت سیار داشتند و کلیساهای جدید را بنیان می‌گذاشتند و آنها را تقویت می‌کردند و اغلب پیام انجیل را به مردمانی از فرهنگی متفاوت اعلام می‌کردند. از بسیاری از جهات، آنها کار میسیونرهای امروزی را انجام می‌دادند. به این ترتیب، وقتی پولس می‌نویسد که عیسی به کلیسا رسولان بخشیده، می‌توانیم چنین فرض کنیم که منظور او اشاره به دوازده رسول اولیه بود که بنیاد عقیدتی ایمان ما را نهادند، و نیز آنانی که دعوت خاصی داشتند تا بنیانگذار کلیساهای جدید باشند یا کلیساهای جدید را شبانی کنند. روشن است که رسولان خادمین خداوند بودند و بر کلیساها حکمرانی

نمی‌کردند، بلکه اقتدارشان از روحیه خدمتگزاری‌شان، تعلیم وفاداران‌شان و الگوی نیک‌شان برای گله خدا ناشی می‌شد. خدا هنوز نیز کسانی را فرا می‌خواند که دارای رسالت باشند تا کلیساهای جدید بنیان بگذارند و تعلیم صحیح بدهند و با محبت رهبری کنند و نمونه‌ای خداپسندانه برای گله-های جدید ارائه دهند، تا بدینوسیله مسیح از طریق استقرار کلیساهای سالم و مبتنی بر کتاب مقدس، جلال یابد.

انبیا

در عهد عتیق، نبی اساسا کسی بود که اجازه داشت از جانب خدا سخن بگوید. در عهد جدید می‌بینیم که نبی کسی است که از سوی روح‌القدس بر انگیخته می‌شود تا پیام خاصی را از جانب خدا به قوم او بیان کند. در برخی موارد نیز نبی در مورد امور آینده هشدار می‌داد؛ آغابوس به پولس هشدار داد که در اورشلیم قحطی روی خواهد داد (اعمال ۱۱: ۲۷-۳۰). همچنین خدا به واسطه انبیا مقرر می‌داشت که افراد خاصی برای خدمت بشارت اختصاص یابند (اعمال ۱۳: ۱-۳). در ضمن، باید توجه داشت که وقتی نبی‌ای واقعی سخن می‌گفت، روح‌القدس آن را به نوعی برای کلیسا نیز تایید می‌کرد. انبیای عهد جدید در اکثر موارد، کلام خدا را با اقتدار روح‌القدس بیان می‌کردند و کلیسا را به زندگی مقدس و عادلانه ترغیب می‌نمودند. امروزه بسیاری از واعظان مسح شده، عطای نبوت دارند. خدا هنوز نیز به کلیسا کسانی را می‌بخشد که کلام خدا را با اقتدار الهی بیان می‌کنند و به ما هشدار می‌دهند که در صورت عدم اطاعت از کلام خدای زنده، آینده تلخی در انتظارمان خواهد بود.

مبشران

مبشر کسی است که مژده انجیل را به آنانی می‌رساند که آن را نشنیده‌اند. فیلیپس عنوان مبشر را داشت (اعمال ۲۱: ۸)، زیرا از عطای خاصی برخوردار بود تا پیام نجات را به مردمان اعلام دارد. پولس به تیموتائوس اندرز می‌دهد که کار مبشر را

به عمل آورد (دوم تیموتائوس ۴: ۵)؛ این نکته به ما یادآوری می‌کند که همه ایمانداران دعوت دارند ایمانشان را با مردم در میان بگذارند.

شبان

شبان دعوت خاصی از جانب خدا دارد تا گله او را شبانی کند. الگوی ما، خداوند عیسی، شبان نیکو است که می‌داند چگونه گله خود را خوراک دهد، و آنان را به نام بخواند، و از ایشان محافظت کند. شبان دعوت شده تا جماعت خود را با وفاداری از کلام خدا خوراک دهد و در همان حال، گله خود را بشناسد و با ایشان و برای ایشان دعا کند. پطرس به شبانان پند می‌دهد تا انگیزه خود را از خدمت به قوم خدا مورد آزمایش قرار دهند و بر ایشان فرمانروایی نکنند، بلکه الگوی خوبی برای ایشان باشند. شبان برای اینکه خدمتی موثر انجام دهد، باید جماعت خود را دوست داشته باشد؛ و اگر می‌خواهد مورد پذیرش ایشان باشد، باید از محبت ایشان برخوردار باشد.

معلمان

عهد جدید برای خدمت معلمان ارج خاصی قائل است. به رهبران توصیه شده که ایمان را به آنانی که قادر به تعلیم دیگران هستند، انتقال دهند (دوم تیموتائوس ۲: ۲). پولس در اول تیموتائوس ۳: ۲، اصطلاح «قادر به تعلیم» را به کار می‌برد؛ مقصود این است که بعضی از اعضا در بدن مسیح هستند که خوانده شده‌اند تا دیگران را تعلیم دهند؛ اما این اصطلاح حاوی این مفهوم است که معلم کسی است که خودش نیز تعلیم‌پذیر باشد. این به یاد ما می‌آورد که معلم نیاز دارد دائماً کلام خدا را بهتر و بهتر فرا بگیرد. خدمت تعلیم برای سلامت جماعت بسیار حیاتی است. آگاهی از این خدمات که در کلیسایش مقرر داشته، بسیار ارزشمند است. باشد که این حقایق به شما کمک کند تا دریابید خدا شما را برای چه خدمتی فرا خوانده است. ■



ازدواج مسیحی

کشیش تت استیوارت

order@judeproject.org

برای تهیه این کتاب با ما تماس بگیرید و از تخفیف ویژه کلیسایی برخوردار شوید.



سه روش موعظهٔ بهشت

کالین اسمیت



شبان
SHABAN MAGAZINE

شماره ۷۳، تابستان ۲۰۱۶

۱۲

گاهی اوقات مردم در مورد اینکه زندگی غایی را باید همین حالا زندگی کرد صحبت می‌کنند. این عقیده که ما می‌توانیم بهترین زندگی ممکن را بر روی زمین برای خود بسازیم، حتی در میان مسیحیان هم متداول شده است. اما این تنها در صورتی ممکن است که ما به جهنم می‌رویم. اگر جهنم آینده شماسست، بهترین زندگی شما همین حالاست. اما اگر مقصد شما بهشت است، بهترین زندگی شما هنوز در راه است. به عبارت دیگر، اگر در مسیح نیستید، چیزی بهتر از این زندگی نخواهید یافت. اما اگر با مسیح هستید، دردها و گرفتاری‌های شما در این دنیا، تنها دردی خواهد بود که تجربه و تحمل می‌کنید. همانطور که اسکات سائولز^۱ می‌گوید: «اگر امید شما در عیسی است، کمترین چیزی که می‌تواند برای شما در آینده اتفاق بیفتد، رستاخیز و حیات ابدی است.»

چرا باید بهشت را موعظه کرد؟

ما شبانان موظفیم به اعضای کلیسا یادآوری کنیم که بهترین هنوز در راه است. وقتی زیر بارهای زندگی خم شده‌اند، می‌توانیم با اطمینان اعلام کنیم بهتر است که هر بیماری و رنجی را در «مسیح» تحمل کنند تا اینکه از هر راحتی و خوشی «بدون او» لذت ببرند. وقتی به ایماندارانی که سردرگم، سرگردان و پریشانند، مشاوره می‌دهیم، و یا وقتی در کنار افرادی قرار می‌گیریم که از این دنیا خسته شده‌اند و احساس تعلقی نمی‌کنند، می‌توانیم به آنها بگوییم که در بهشت بیشتر از این زندگی احساس در خانه بودن خواهند داشت. خدا که بر تخت نشسته است، خیمه خود را بر مردمش برپا خواهد کرد (مکاشفه ۷: ۱۵). تصور کنید که خدای متعال خیمه گسترده‌اش را بر روی مردم پهن می‌کند و همه زیر آن قرار می‌گیرند. خدا می‌فرماید: «شما اینجا در خانه خواهید بود، هیچ کس بیرون نخواهد بود» در این بخش درباره سه حقیقت از مکاشفه باب ۷ که می‌تواند

موعظه ما را در مورد بهشت هدایت کند صحبت می‌کنیم:

۱. در بهشت، خدا را آنطور که همیشه آرزو داشتید خدمت خواهید کرد.

مقدسینی که آنها را خدمت می‌کنیم اغلب خسته و درمانده هستند. میل خدمت به خداوند که به مسئولیت‌ها در کار و خانواده اضافه می‌شود، به راحتی می‌تواند خستگی را به همراه آورد. ما خداوند را دوست داریم و مشتاق خشنود کردن او هستیم، اما گاهی حتی بهترین تلاش‌های ما هم کافی نیستند.

روح مشتاق است، اما جسم ناتوان. با خستگی رشد می‌کنیم؛ دل‌سرد می‌شویم و در مشکلات حل نشده و سوالات بی‌پاسخ فرو می‌رویم.

اما همیشه اینطور نخواهد بود. در بهشت همه خستگی‌ها از بین می‌رود. در خدمت کردن به پادشاه خود «شبانه‌روز»^۲ طراوت و انرژی خواهیم داشت (مکاشفه ۷: ۱۵). پس اعضای کلیسای خود را تشویق کنید که بالاخره یک روز آنطوری زندگی و خدمت می‌کنند که همیشه آرزوی شما را داشتند.

۲. در بهشت، عیسی شما را به سوی شادی روزافزون هدایت خواهد کرد.

بهشت فراتر از آن است که صرفاً مکانی باشد برای پی بردن به چیزهای حیرت‌آور. یوحنا رسول دید که شادی بزرگ بهشت، خود مسیح است، کسی که ما را به سوی شادی روزافزون هدایت خواهد کرد. بره، شبان ما خواهد بود، و ما را تا ابد سیر و تازه می‌کند (مکاشفه ۷: ۱۶).

یکی از راست‌دینان (پیوریتن) به نام توماس بوستون^۳ (۱۶۷۶-۱۷۳۲) چه خوب گفت که:

«کمالات الهی یک عرصه نامحدود خواهد بود که شخص جلال‌یافته تا ابد در آن رشد خواهد کرد و بیشتر و بیشتر از خدا می‌بیند، زیرا آنها هرگز به انتهای ابدیت نمی‌رسند. آنها می‌توانند هر لحظه ظروف خود را به این اقیانوس بیاورند، و

آنها را با آب تازه پر بسازند.»

علاوه بر این، همانطور که دونالد مک لئود^۱ اشاره می‌کند، زندگی در بهشت برای نجات‌یافتگان از زندگی‌ای که بی‌گناهان در باغ عدن داشتند بهتر خواهد بود. او اشاره می‌کند که زندگی در باغ، آزادی عمل برای هنر، علم، فناوری و الاهیات را فراهم کرده بود. او سپس می‌گوید: «بدون شک همه این‌ها برای دنیای در پیش رو صحت خواهد داشت. نه تنها خالق بلکه خلقت نیز موضوعی از شگفتی برای نجات‌یافتگان خواهد بود. این موضوع عقل آنها را به چالش می‌کشد، قوه تخیل و ابتکار آنها را برمی‌انگیزاند. این داستان هیجان‌انگیزی است: ذهن‌های بالاستعداد در بدن‌های نیرومند در دنیایی تبدیل یافته. خوشی‌ای که در بهشت تجربه می‌کنیم را کد نخواهد بود. همانطور که جان‌اتان ادواردز^۲ می‌گوید: «این خوشی مجموعه‌ای از خوشی‌هایی است که به هم اضافه شده‌اند و لذت همه آنها پایدار است.» فقط تصور کنید که هزاران سال با خدا بودن، برای قوم او چه شکلی خواهد داشت: دانش و قدوسیت آنها تا بی‌نهایت افزایش می‌یابد، زیرا وقتی دانش آنها از خدا افزایش می‌یابد برتری او را بیشتر خواهند دید، و هرچه برتری او را بیشتر ببینند، بیشتر او را دوست خواهند داشت، و هرچه بیشتر خدا را دوست داشته باشند، خوشی و شادی بیشتری در او خواهند داشت. ادواردز در این گفته، تعریفی از خوشی روز افزون یا آینده شما در عیسی را ارائه می‌دهد.

۳. در بهشت، همه زخم‌های تان التیام خواهند یافت.

«خدا هر اشکی را از چشمان تان پاک خواهد کرد» (مکاشفه ۷: ۱۷).

به معنای واقعی کلمه، او این اشک‌ها را از چشمان ما پاک خواهد کرد؛ همانطور که اشک‌ها را بر می‌دارد منشا آنها را نیز بر می‌دارد.

بارهایی که مردم ما متحمل شده‌اند دیگر آنها را خم نخواهد

کرد. وسوسه‌هایی که با آنها مبارزه کرده‌اند دیگر به آنها حمله نخواهد کرد. دردهایی که تحمل کرده‌اند دیگر آزارشان نخواهد داد.

تصور کنید: نه گناهی که اعتراف شود یا وسوسه‌ای که غالب شود؛ نه بیماری‌ای که از آن رنج برده شود؛ نه دردی که تحمل شود؛ نه ترسی برای مواجهه؛ نه مشکلاتی برای تحمل. به سوال شما پاسخ داده شده است، شک‌های تان برطرف شده، اشک‌های تان با انگشتان مهربان خدا پاک شده است.

عالی‌ترین زندگی شما

عالی‌ترین زندگی یک مسیحی در بهشت است و نمی‌تواند الان باشد. دانستن شادی آینده برای به دست آوردن قوت در مواجهه با زندگی الان‌مان، حیاتی است. خدا از ما می‌خواهد در آنچه که در بالاست تفکر کنیم، نه بر آنچه که بر زمین است (فیلیپیان ۳: ۱۹-۲۱؛ کولسیان ۳: ۲). بنابراین ای شبانان، برای جلال ابدی مسیح و خوشی بی‌پایان اعضای کلیسای تان، بهشت را برای آنها موعظه کنید.

کالین اسمیت شبان ارشد کلیسای The Orchard Evangelical Free Church در حومه شمال غربی شهر شیکاگو است. این متن با اجازه رسمی از Gospel Coalition ترجمه شده است. ■

بی‌نوشت:

۱. Scott Sauls

۲. Thomas Boston

۳. Donald Macleod

۴. Jonathan Edwards

بخش چهارم

دعوت الاهی را با چه حالتی بشنویم

شبان
SHABAN MAGAZINE
شماره ۷۳، تابستان ۲۰۱۶

۱۵



تت استیوارت

همه رهبران مسیحی توافق دارند که بزرگ‌ترین مسأله‌ای که فرا راه کلیسای فارسی‌زبان قرار دارد، نیاز به رهبران تربیت‌شده و تعلیم‌دیده است. انجمن‌های بسیاری به ترجمه مطالب تعلیمی و تربیتی خود به زبان فارسی همت گماشته‌اند و در جستجوی راه‌هایی هستند تا برنامه‌های خاص خود را در میان ایرانیان پیاده کنند. در چنین فضای آکنده از نیاز فوری به رهبران، بسیار مهم است که از نگرشی مستحکم بر اساس کتاب مقدس در مورد دعوت الاهی برخوردار باشیم و بدانیم که شخص به راستی چگونه می‌تواند

صدای خدا را تشخیص دهد. در این مجموعه مقالات، به این امر پرداختیم که شخص چگونه می‌تواند دعوت الاهی را برای خدمت تشخیص دهد. تا اینجا دیدیم که دعوت خدا دارای عنصری درونی است که از طریق آن، اشتیاقی فزاینده به خدمت خدا را احساس می‌کنیم؛ همچنین مشاهده کردیم که دعوت خدا از بعدی بیرونی نیز برخوردار است که طی آن، خدا دعوت خود را به واسطه بدن مسیح مورد تایید قرار می‌دهد.

توجه به نظر دیگران

اخیرا جوانی با من تماس گرفت تا درباره خدمتش گفتگو کند. او مدتی بود که شدیداً احساس می‌کرد از جانب خدا دعوت دارد تا وارد خدمت شود، اما ثمر چندانی حاصل نکرده است. آنچه که موضوع را مشکل‌تر می‌ساخت این بود که او به نظرات بدن مسیح در خصوص نتیجه خدمتش توجهی نمی‌کرده است. برای من ناخوشایند بود که به او بگویم در خصوص دعوتش تردیدی جدی دارم. شاید کمی حقارت‌آمیز باشد که دیگران خدمت‌مان را مورد ارزیابی قرار دهند، اما هیچ‌گاه این اندرز کلام خدا را نباید از یاد برد که «خدا در برابر متکبران می‌ایستد، اما فروتنان را فیض می‌بخشد» (یعقوب ۴: ۶). در این مقاله، می‌خواهم حالت لازم برای شنیدن صدای خدا و دریافت هدایت از او را مورد کندوکاو قرار دهم.

اهمیت ترس خدا

نخستین سال خدمت شبانی‌ام بود و به هنگام آغاز وظایف خود، بسیار مضطرب بودم. خیلی دلم می‌خواست مطمئن باشم که در مسیر اراده خدا قرار دارم. به محراب کلیسا می‌رفتم و کتاب مقدس را با خود می‌بردم و در حضور خدا فریاد می‌زدم تا به من کمک کند. در یکی از این موقعیت‌ها، به خواندن مزمور ۲۵ پرداختم که ناگاه آیه ۱۴ به راستی با دلم سخن گفت: «بتر خداوند با ترسندگان او است و عهد او

تا ایشان را تعلیم دهد.» در وهله اول، بسیار تشویق شدم که دانستم خدا می‌خواهد به من اعتماد کند و اسرار خود را با من در میان بگذارد. او می‌خواست اموری را بر من مکشوف کند که قبلاً برایم روشن نبود، زیرا قدرت تعقل بشری و تجربیات زندگی‌ام محدود بود. وقتی فکر کردم که خدا مسائلی را بر من آشکار خواهد کرد و می‌خواهد نقشه‌اش برای زندگی‌ام را به من نشان دهد، بیش از پیش هیجان‌زده می‌شدم. اما بعد متوجه شدم که وعده وابسته به یک شرط است: می‌بایست از خدا بترسم. امثال ۱: ۷ می‌فرماید: «ترس یهوه آغاز علم است، لیکن جاهلان حکمت و ادب را خوار می‌شمارند.» از همان روزهای نخستین، به درک این نکته نائل آمدم که از هرچه بترسیم، همان نهایتاً زندگی ما را تحت سلطه خود خواهد گرفت. ترس از خدا یعنی اینکه بالاترین جایگاه را در زندگی خود به او بدهیم و او را حرمت و تکریم بداریم؛ یعنی اطاعت از او با روحی فروتن. این آیه تعلیم می‌دهد که اگر خواهان شنیدن صدای خدا هستیم و می‌خواهیم او بتر خود را با ما در میان بگذارد، باید تمام جوانب زندگی خود را تحت سلطه او قرار دهیم. پولس این حقیقت را درک کرده بود و به همین جهت در رساله به رومیان نوشت که باید تمام وجود خود را همچون قربانی به او تقدیم کنیم و ثمره چنین قربانی زنده‌ای، حس تشخیص خواهد بود؛ می‌فرماید: «آنگاه قادر به تشخیص خواست خدا خواهید بود، خواست نیکو، پسندیده و کامل او» (رومیان ۱۲: ۲).

وقتی به چنین بصیرتی دست یافتم، بار دیگر مزمور ۲۵ را خواندم و پنج حالت عمده را کشف کردم که می‌بایست در خودم پرورش می‌دادم تا آمادگی آن را بیابم که خدا نقشه‌هایش را برای زندگی و خدمت به من نشان دهد.

پنج حالت ضروری تسلیم روزانه

«ای خداوند، به سوی تو جان خود را بر می‌افرازم» (آیه

۱). داوود می‌فرماید که پیش از هر چیز، جان خود را به خداوند تسلیم می‌کند. این بدان معناست که هر روز را با پرستش خدا و مطالعه کلام او آغاز کنیم. اما این امر همچنین شامل تسلیم زندگی به طور روزانه به مسیح می‌گردد. «آزولد چمبرز» می‌گوید که ما باید در حضور کسی که گفت «هستم آنکه هستم» هیچ شویم. یعنی باید بگذاریم که خدا، خدا باشد و این حقیقت را بپذیریم که او از طریق شرایط و نیز واکنش‌های دیگران و همچنین از طریق نجوای درونی با ما سخن می‌گوید.

اعتماد فعالانه

«ای خدای من، بر تو توکل می‌دارم» (آیه ۱). توکل یعنی رها کردن تدبیرهای انسانی خویشتن و توسل جستن به تدبیرهای خدا. داوود به روشنی بیان می‌دارد که دچار همان ترسی شده که همه ما دچارش شده‌ایم: ترس از اینکه در اثر شکست‌ها و قصورات خود شرمسار شویم. اما داوود در پاسخ به این ترس می‌گوید: «هر که انتظار تو می‌کشد، خجل نخواهد شد» (آیه ۳). این آیه مرا سی سال پیش متقاعد کرد که کلام خدا را در زندگی و خدمت خود آگاهانه مورد سازش کاری قرار ندهم. چنین کاری ساده نبود، زیرا بارها از سوی دیگران تحت فشار شدید قرار گرفتم که از احکام خدا تخطی ورزم، اما می‌توانم با یقین عمیق بگویم که تا زمانی که فعالانه به خدا توکل کردم، او مرا از شرمسار شدن دور نگاه داشته است.

درخواست مصرانه

«ای خداوند، طریق‌های خود را به من بیاموز» (آیه ۴). عیسی فرمود که اگر چیزی را نداریم، به این علت است که درخواست نمی‌کنیم. او فرمود: «بکوبید که در به روی تان گشوده خواهد شد» (متی ۷: ۷). بیاموزید که از خدا بطلبید! به تصورات و ادراکات خود اعتماد نکنید، بلکه طالب این

باشید که بدانید خدا چه می‌گوید. وقتی پاسخ سوالاتی را که از شما می‌شود، یا سوالات مربوط به زندگی را نمی‌دانید، با فروتنی از خدا بپرسید؛ همچنین از دوستان خداترس خود مشورت بطلبید.

یادگیری مداوم

«راه‌های خویش را به من تعلیم ده؛ مرا به راستی خود سالک گردان» (آیات ۴ و ۵). تشخیص هدایت خدا به واسطه یادگیری مداوم و برخورداری از روحیه‌ای تعلیم‌پذیر میسر می‌گردد. به یاد دارم وقتی که شبانی جوان بودم، به شبانی مسن‌تر گفتم: «من به الاهیات نیازی ندارم؛ یگانه نیاز من به عیسی است!» امروز تاسف می‌خورم که چرا چنین گفته نابخردانه‌ای بر زبان آوردم، زیرا پس از آن زمان، چیزهای زیادی از طریق مطالعه الاهیات آموختم. به شکلی غنی‌تر و از راه‌هایی عملی‌تر، آموختم که عیسی کیست و معنی کفاره برای من چیست. علاقه پیدا کردم که مطالعه کنم و برداشت‌های خود را از کتاب مقدس، با تفسیرهای معلمان برجسته و نویسندگان کلیسا محک بزنم.

روحیه فروتن

«مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد» (آیه ۹). غرور و تکبر باعث مخدوش شدن امور می‌گردد، زیرا در این صورت، همه چیز را از طریق عینک خویشتن می‌نگریم؛ همه چیز را آن‌گونه می‌بینیم که خودمان می‌خواهیم؛ و تحت تاثیر اهمیت خود قرار می‌گیریم. مشورت دادن به شخص مغرور دشوار است، چرا که او همان کاری را خواهد کرد که دلش می‌خواهد. چنانچه مایلید که خدا اسرار خود را با شما در میان بگذارد، باید خود را در مقابل او فروتن سازید. در خصوص تشخیص دعوت الاهی، نه فقط نیاز دارید خود را در حضور خدا فروتن سازید، بلکه در حضور بدن او نیز که کلیسا است. ■

خدمت به افراد بیمار و در حال مرگ



کوین دی یانگ

شبان
SHABAN MAGAZINE

شماره ۷۳، تابستان ۲۰۱۶

۱۸

ملاقات با اشخاص بیمار و در حال مرگ یک مزیت است، اما می‌تواند ترسناک هم باشد و کار سختی هم است. من برای شبانان و دیگر ایماندارانی که با استفاده از انجیل وقت زیادی برای تسلی بیماران و افراد رنجور صرف می‌کنند، احترام زیادی قائلم.

وقتی شخص بیمار و در حال مرگ را خدمت می‌کنید - و همه ما موقعیت برای انجام این کار را خواهیم داشت - چند نکته وجود دارد که باید به خاطر بسپاریم:

(۱) صبور باشید. سوالات زیادی بپرسید. فکر نکنید که افکار و احساسات آنها را می‌دانید. از آنها سوال کنید.

(۲) سوالات مستقیم بپرسید. من متوجه شده‌ام که به طور خاص نسل‌های قدیمی‌تر به خوبی به سوالاتی که در لفافه پرسیده می‌شوند پاسخ نمی‌دهند. مثل «رابطه‌ات با خدا چگونه؟» یا «خدا چه درسی بهت می‌دهد؟» سوالات ساده بپرسید. مثل «حال تان چگونه؟»، «اوضاع چگونه؟» یا «در چه مواردی می‌خواهید برای تان دعا کنم؟»

(۳) اگر صدای خوبی دارید، سرودنامه را باز کنید و چند سرود بخوانید. اگر خواندن بلد نیستید هم به هر حال تلاش کنید.

(۴) سوالاتی که پاسخ آنها بله یا خیر است نپرسید. اگر بپرسید «مرضی سخته» شاید خیلی چیزی دستگیرتان نشود. از مطرح کردن سوالات کلی پرهیز کنید. مثلاً «اینکه میدونی عیسی همه گناهان رو بخشیده و ابدیت رو با او در بهشت خواهی بود، باعث تسلی قلب تو نیست؟» شاید این الاهیات خوبی باشد، اما این دقیقاً یک سوال نیست. بهتر است که فقط این حقیقت را بیان کنید و یک سوال واقعی بپرسید.

(۵) یاد بگیرید با احساس نقص و عدم کمال تان زندگی کنید. هیچکس دقیقاً نمی‌داند در چنین شرایطی چه باید بگوید. معمولاً در ابتدا کمی احساس ناشی بودن می‌کنید؛ اما اجازه ندهید که این موضوع مانع کار شما شود. شجاع باشید؛ خودتان باشید.

(۶) فکر می‌کنم در بعضی موارد مناسب باشد که سوالات خیلی خاصی هم بپرسیم، به خصوص وقتی که شخص سعی می‌کند از واقعیت‌های ناگوار وضعیتش طفره برود. شاید مجبور باشید بگویید: «احتمال داره که اصلاً حالت بهتر نشه، از مرگ می‌ترسی؟» واضح است که این سوال را در ملاقات با دختر بچه‌ای که عمل آپاندیس داشته نخواهید پرسید، اما شرایط دیگری هست که نمی‌توانید از صحبت کردن درباره مرگ طفره بروید. در واقع می‌توانید طفره بروید (و شاید هم بخواهید که این کار را نکنید)، اما نباید چنین کنید.

(۷) در دام صحبت در مورد مسایل پزشکی نیفتید. اکثر افراد با نسخه پیچیدن صحبت را شروع می‌کنند؛ ایرادی ندارد و شاید هم فایده درمانی داشته باشد، اما سعی نکنید پزشک آنها بشوید. از صحبت کردن در مورد داروها، روش‌های درمانی و اصطلاحات پزشکی‌ای که همه بلد هستند بگذرید. به انجیل و روح افراد بپردازید.

(۸) حرف‌شان را قطع نکنید. سوالاتی بپرسید که حالت پیگیرانه داشته باشند. برای تصحیح افکارشان عجله نکنید. اگر لازم است به چالش کشیده بشوند، بگذارید اول متوجه بشوند که شما به آنها اهمیت می‌دهید و احساسات‌شان را جدی می‌گیرید، بعد این کار را انجام دهید. هیچ چیز دلسردکننده‌تر از دوست یا شبانی نیست که می‌خواهد سریعاً ثابت کند نگرانی‌های شما بی‌موردند یا بخواهد بلافاصله از کشمکش‌های شما برای اظهار فضل استفاده کند.

(۹) چیزهایی را به مردم یادآوری کنید که می‌دانید می‌دانند. ما فراموش می‌کنیم، شک می‌کنیم. شنیدن از دیگرانی که همان حقایق را یک‌بار دیگر به ما می‌گویند مفید است.

(۱۰) از کتاب مقدس استفاده کنید، کتاب مقدس برای‌شان بخوانید و کتاب مقدس را به آنها تعلیم دهید. اگر الاهیات ما به درد افراد بیمار و در حال مرگ نخورد پس به چه دردی می‌خورد؟

کوبین دی‌یانگ شبان کلیسای پوزیتوری University Reformed در شهر لنزینگ شرقی در ایالت میشیگان، نزدیک دانشگاه ایالتی است. ■



جیسون هلوپولس

مسیحیان به یک الاهیات خوب از مرگ مسیحی احتیاج دارند. این موضوع مهمی است. آیا باید از مرگ یک برادر یا خواهر مسیحی خوشحال باشیم یا گریه کنیم؟ آیا مراسم خاکسپاری یک مسیحی جشن است یا زمانی برای عزاداری؟ یک درک درست از چگونگی تعمق در مرگ فرد مسیحی، مانع از افراط در شادی یا عزاداری صرف می‌شود.

آیا این عادی است که یک عزیز مسیحی وقتی در حال مرگ است با احساسات قلبی بگوید: «وقتی مُردم گریه نکنید، شادی کنید، چون با مسیح خواهیم بود»؟ یا همینطور افراد خانواده یک مسیحی فوت شده بگویند: «او نمی‌خواست که ما غمگین باشیم. ما می‌خواهیم با شادی زندگی او را به یاد بیاوریم و به خودمان یادآوری کنیم که او در مکان بهتری است»؟ این‌ها جملات دوست داشتنی‌ای هستند. ما

مرگ مسیحی: سوگواری یا جشن؟

نمی‌خواهیم محبتی که محرک این احساسات است را بی اعتبار کنیم. اما به هر حال، این واکنش‌ها قانع‌کننده نیستند. ما نباید وقتی یک مسیحی می‌میرد فقط شادمانی کنیم. همانطور که رومیان به ما می‌گوید: «مزد گناه موت است» (رومیان ۶: ۲۳). این اصلاً خوشایند نیست که دوست و یا عضوی مسیحی از خانواده‌ما فوت کرده باشد. مزایای بعد از مرگ هر چه که باشد، مرگ به خودی خود، چیز نفرت‌انگیزی است. مرگ یک مهمان ناخوانده است و در خلقت جایی نداشت؛ بلکه مانند دزد زندگی، به محض ورود گناه به این دنیا، وارد صحنه شد. بنابراین، خود مرگ نباید جشن گرفته شود. وقتی یک مسیحی می‌میرد، ما نمی‌توانیم طوری شادی کنیم که مرگ در مقام یک دشمن فراموش شود. زیرا خدا انسان را از خاک زمین آفرید. وقتی انسان با مرگش به خاک باز می‌گردد آفرینش به راس خود بر می‌گردد. فقدان‌هایی هستند که نباید در این دنیا می‌بودند. مرگ وجود دارد، چیزی که در آفرینش نیکو جایی نداشت. در واقع، در مرگ، انسان دو پاره می‌شود؛ یعنی بدن و روحش که به صورت یک نفر آفریده شده بود، جدا می‌شوند. این حقیقت دارد که در آن لحظه‌ای که یک مسیحی می‌میرد بلافاصله به حضور مسیح می‌رود (لوقا ۲۳: ۴۳؛ فیلیپیان ۱: ۲۳)، اما بدن آنها باقی می‌ماند تا تباہ شود. روح در حضور خداوند عریان است و بدن تا روز رستاخیز بی‌جان و تهی خواهد بود. بنابراین مفهومی وجود دارد که می‌توانیم بگوییم در آن روح‌های عریان ما در انتظار روز رستاخیز هستند. چون در آن روز آنها به بدن‌های مان باز خواهند گشت و هرگز دوباره آن جدایی وحشتناک را تجربه نمی‌کنند. ما تا ابد با هم ساکن خواهیم شد همانطور که برای آن آفریده شده بودیم. مرتا، مریم و دوستانش دلیل موجهی برای گریه کردن در مرگ ایلعادر داشتند (یوحنا ۱۱: ۳۳). کتاب مقدس هرگز از مسیحیان نخواست که احساس غم خود را انکار کنند - این یک اندوه درست و مقدس است و ما هم نباید هیچ‌گاه از عزیزان مان بخواهیم که این احساس را سرکوب کنند. نوعی

مقدس‌مآبی در این تقاضا و یا سرکوب آن وجود دارد. این رفتاری است که از تعلیم کتاب مقدس و آنچه خالق مان از ما خواسته است پیشی می‌گیرد.

به هر حال ما نباید فقط اندوهگین باشیم. وقتی یک مسیحی می‌میرد باید از شادی نیز پر شویم. حقیقتاً برای مسیحیان، «زیستن مسیح است و مردن نفع» (فیلیپیان ۱: ۲۱). وقتی ایمانداران به مسیح این زندگی را ترک می‌کنند بلافاصله به جای بهتری می‌روند (فیلیپیان ۱: ۲۳). آنها با مسیح هستند! مسابقه را به پایان رسانده‌اند و ایمان را حفظ کرده‌اند (دوم تیموتائوس ۴: ۷). و آن ایمان تبدیل به «دیدار» شد (دوم قرنتیان ۵: ۷). آنها دیگر در یک آینه‌تار نمی‌بینند، بلکه او را رو در رو می‌بینند (اول قرنتیان ۱۳: ۱۲). موضوع عشق، محبت و شادی آنها تا ابد با آنها و در کنارشان است.

چه شکوهی در مرگ مسیحی در انتظار اوست. لحظه‌ای، یک گناهکار ناتوان مصیبت‌های این زندگی را تجربه می‌کند، و در لحظه بعدی، او با تاج عدالت آراسته شده (دوم تیموتائوس ۴: ۸) و بودن در حضور شاه جلال را تجربه می‌کند. آنجا مسیحی باید با جلال او احاطه شده باشد. جلالی که همه دشمنان ما را دور می‌کند. در آن مکان دیگر نباید تجربه از دست دادن، غم، درد، ناراحتی، یا پشیمانی وجود داشته باشد. بلکه مقدسین باید در خوشی مطلق ساکن شوند و همانطور که در زیبایی و جلال نجات‌دهنده‌شان تا ابد شادی می‌کنند، سعادت‌مند باشند. بنابراین، ما باید در مرگ یک مسیحی شادمانی کنیم، زیرا پولس رسول می‌گوید آنها «در جای بسیار بهتری هستند» (فیلیپیان ۱: ۲۳). شاید هرگز توصیفی از این بهتر از جلالی که انتظار ما را می‌کشد، نوشته نشده باشد.

وقتی برادر یا خواهری در مسیح می‌میرد، باید هم غم باشد هم شادی. به هر دو اینها باید توجه شود. همه ما برای آنچه که از دست رفته اندوهگین هستیم و برای آنچه که به دست آمده شادمانیم. این یک الاهیات خوب مسیحی برای مرگ مسیحی است. ■

پنج روش صحبت با کودکان در مورد مرگ



جفرایینسون

شبان

SHABAN MAGAZINE

شماره ۷۳، تابستان ۲۰۱۶

۲۲

این اولین چیزی نبود که به ذهنم رسید، اما شاید دومین بود: چطور به بچه‌ها بگم؟

دکتر تازه حقیقت سرد و سخت را گفته بود: «دوستتون کن فوت کرد». کن دوست خانوادگی عزیزی بود؛ مردی که بچه‌هایم به او عشق می‌ورزیدند؛ یک کارمند با سابقه در کلیسایی که به عنوان شبان خدمت می‌کردم؛ او ناگهان فوت کرد - در ساختمان کلیسا، حین کار کردن. یک حمله قلبی او را در آن صبح ابری پاییزی، در

لحظه‌ای به آغوش نجات‌دهنده‌اش برد. من حیرت‌زده بودم. کارمندان مان و اعضای کلیسا حیرت‌زده بودند. فرزندانی که به طور مرتب وقتی من در جلسه بودم، به اعضا مشاوره می‌دادم یا در حال آماده کردن موعظه بودم به او کمک می‌کردند، از همه حیرت‌زده‌تر می‌شدند. به دقت صحبت‌م را با آنها برنامهریزی کردم و بالاخره خبر غم‌انگیز را آن روز عصر دادم.

مرگ دوباره در می‌زند

وقتی هفته پیش پدر همسرم فوت کرد، دوباره خانواده ما با «مرگ» روبرو شد. او هم مثل کن به وضوح عیسی را دوست

داشت و به دنبال خشنود کردن او بود. جای شکر دارد که ما مثل افراد بدون امید، سوگواری نمی‌کنیم (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳). وقتی خبر رسید، دوباره من و همسر با موضوع انتقال خبری ناراحت‌کننده به فرزندانمان که بین هفت تا سیزده ساله هستند مواجه بودیم.

به عنوان یک شبان، همیشه خدمت در مقام قاصد اخبار ناخوش برایم سخت بوده است. مخصوصاً وقتی قرار باشد خبر را به کودکان که توانایی آنها برای درک مرگ و پیامدهای آن محدود است بگوئید، مهارت بیشتری هم می‌طلبید. آیا ما با تشبیه مرگ به یک شرایط مبهم و غیر تهدیدآمیز از اهمیت آن می‌کاهیم؟ یا همانطور مستقیم که ممکن است به یک بزرگسال بگوئیم در مورد آن صحبت می‌کنیم؟ من و همسر هیچ‌کدام از این رویکردها را مفید نیافتیم. روشن است که چقدر و چطور توضیح دادن موضوع به یک کودک کم‌سال تا یک بچه ۱۲ ساله خیلی فرق خواهد کرد. همیشه حقایق بنیادی کتاب مقدسی‌ای وجود دارند که آنها باید بدانند.

اینجا به پنج حقیقت اساسی اشاره می‌کنم که وقتی فرزندانمان از نزدیک شاهد مرگ بودند، من و همسر برای آنها توضیح دادیم:

۱. مرگ و داوری به سراغ همه ما می‌آید.

متأسفانه، مرگ بخشی از دنیای سقوط کرده ماست، و کتاب مقدس از این حقیقت روگردان نیست. مزور ۱۳۹ به ما می‌گوید خدا روزهای عمر ما را در دفتر خود ثبت کرده است. از آنجایی که کلام خدا این حقیقت را موردی «بیش از اندازه منفی» نمی‌شمرد، ما هم نباید چنین کنیم.

ما دوستانی داشتیم که هیچ‌وقت با فرزندان‌شان درباره اخبار بد مثل بلایای طبیعی یا واقعه تروریستی یازده سپتامبر صحبت نکرده بودند. آنها قانونی گذاشته بودند که هیچ‌وقت در مورد مرگ بحث نکنند. من معتقدم که این حکیمانه نیست. با اجتناب از اخبار بد، والدین فرزندان‌شان را برای

انتظارات غیرمنطقی و ناامیدی کامل آماده می‌کنند. این رویکرد لطیف، حتی اگر سهوی باشد، چنین القا می‌کند که زندگی روی زمین همه ماجراست. بدتر از همه، باعث شکست در توضیح اساس اینکه چرا انجیل «خبر خوش» است، می‌شود. هر روزی که می‌گذرد ما را یک قدم به روز آخر نزدیک‌تر می‌کند و فرزندان ما باید به این حقیقت آگاه باشند.

همچنین، داوری‌ای وجود دارد که در انتظار همه ماست (عبرانیان ۹: ۲۷). من می‌خواهم فرزندانم همانطور که واعظ معروف باپتیست، آر. جی. لی گفت، بدانند که روز حساب پس دادن برای نحوه زندگی‌مان روی زمین فرا خواهد رسید (دوم قرنتیان ۵: ۱۰).

۲. مرگ راهی نیست که قرار بود باشد!

این حقیقت کتاب مقدسی همان چیزی است که مرگ را به طور خاص غم‌انگیز می‌کند. به فرزندان‌تان بگوئید مرگ یک مزاحم در این دنیاست و اولین گناه آدم دری را باز کرد که لعنت مرگ از طریق آن وارد شد. کتاب کرنلیوس پلاتینگا به نام «قرار نبود اینطور باشد: نگاهی کوتاه به گناه» یک منبع متقاعدکننده برای بزرگسالان است که به شما کمک می‌کند تا حقایق کتاب مقدسی بیشتری چاشنی این تعلیم کنید.

در ادامه به فرزندان‌تان توضیح دهید که این، دلیل ناراحتی ما در زمان فوت افراد است. در سوگواری، با اشک‌های‌مان اقرار می‌کنیم که مرگ امری طبیعی نیست.

۳. مرگ برای مسیحی به معنای با عیسی بودن است.

در باب اول رساله فیلیپیان، پولس رسول بین اینکه برایش بهتر است که این دنیا را ترک کند تا با عیسی باشد یا برای گسترش انجیل در آن بماند، مردد است. او می‌نویسد: «مرا زیستن مسیح است و مردن نفع» (فیلیپیان ۱: ۲۱). در



ایمان مُردند چه باید بگوییم؟ این حتی سخت‌تر است اما یک موقعیت کلیدی را برای بحث دربارهٔ هر دو قسمت ابدیت یعنی بهشت و جهنم فراهم می‌کند. ما باید به همان اندازه که خداوندمان - که در اناجیل بیشتر از دآوری سخن گفته تا بهشت - در مورد جهنم صریح بود، صراحت داشته باشیم. من چه با بزرگسالان حرف بزنم چه کودکان، همیشه از تمرکز کردن روی سرنوشت ابدی کسی که به نظر می‌آید در بی‌ایمانی مرده باشد اجتناب می‌کنم. البته این را روشن می‌کنم که هر شخصی که می‌خواهد نجات یابد از طریق ایمان به عیسی به حضور خدا بیاید. اما ما به فرزندانمان گفته‌ایم (و من به اعضای خانوادهٔ بی‌ایمانان گفته‌ام) که فرد فوت شده در دستان خداوند است - یک قاضی صالح و عادل که همیشه کار درست را انجام می‌دهد. این را برای کتمان یا دست کم گرفتن حقیقت خشم خدا انجام نمی‌دهم؛ این فقط به سادگی مرا از نشستن در جایگاه قاضی ابدی برحذر می‌دارد.

اگرچه مطمئن می‌توانم بسیار بیشتر دربارهٔ مرگ گفت، بچه‌های ما نیاز دارند برای زندگی در دنیایی که اسیر گناه و مرگ است - در سن و راه‌های مناسب - آماده شوند و احتیاج دارند که به آنها نشان داده شود چرا خبر خوش نجات خدا در مسیح، و جنگ پیروزمندانۀ او با مرگ بر صلیب جلجتا، به راستی خبر خوش است. ■

فرهنگی که هر چه می‌تواند انجام می‌دهد تا هر اشاره‌ای به اینکه انسان‌ها پیر می‌شوند و می‌میرند را سرکوب کند، این یک حقیقت ضدفرهنگی عمیق است. اما برای ایمانداران، عبور از رودخانهٔ سرد مرگ راهی است به بهشت و خوشی‌هایی که زبان انسان از توصیف آن قاصر است.

۴. بالاخره مرگ روزی خواهد مُرد.

به فرزندان‌تان خبر خوش فراتر از درکِ اول قرن‌تین ۱۵: ۲۶ را بدهید: «دشمن آخر که نابود می‌شود، موت است.» وقتی که «پیش از این» به آنچه «در پیش» است تغییر کند، مرگ به تاریخ خواهد پیوست و این دلیلی برای شادمانی است. این یک فرصت انتخاب است که مسیح را به فرزندان‌تان معرفی کنید، تا آنها را مشتاق کنید که به صلیب، جایی که مرگ شکست خورده و رحمت وجود دارد، پناه ببرند.

۵. مرگ چیزی است که همهٔ ما باید به آن فکر کنیم.

نمی‌خواهم که فرزندانم در ترس از شیخ ابدیت آزار ببینند یا ناتوان شوند. گفتهٔ جان‌اتان ادواردز کشیش و الاهیدان قرن هجدهم نمونهٔ بسیار خوبی از ضرورت فکر کردن به مرگ حتی در جوانی ارائه می‌دهد. فرض بر این است که ادواردز خیلی از فرزندان جوان من مسن‌تر بود که راهکارهای مشهور خود را نوشت؛ در بخش هفتم آن می‌خوانیم: «تصمیم گرفتم، تا بیشتر به کوتاه بودن زندگی یک شخص فکر کنم.» (مزمور ۹۰: ۱۷)

ادواردز فهمیده بود که زندگی یک بخار است، و مرگ باید در ما ایجاد انگیزه کند تا برای دنیای دیگری زندگی کنیم. به فرزندان‌تان بگویید برای کسانی که در مسیح هستند، بهترین قسمت زندگی بعد از اینجاست.

در مورد مرگ بی‌ایمانان چگونه؟

به فرزندان‌مان در مورد مرگ آنانی که به نظر می‌آید بدون



طرح موعظه از کشیش لتونارد ناتان استیوارت

پیام یادبود برای کشیش لتونارد ناتان استیوارت (۱۲ مارس ۲۰۱۶)
عنوان موعظه: تسلی خدا / دوم قرنتیان ۱: ۳-۱۱

مقدمه و یادآوری:

☀ زندگی چقدر شکننده است. چقدر سریع زندگی می‌تواند عوض شود. چیزهایی که دوست داریم از دست می‌روند. شرارت در این دنیای سقوط کرده چگونه است و اینکه کشمکش ما خدمت کردن به مسیح است و این علیه جسم و خون نیست، بلکه علیه قدرت‌های این دنیای تاریک است.

جان کلام موعظه:

☀ باید به تسلی خدا بپیوندیم که از طریق مرگ و قیام خداوندمان عیسی به ما داده شده است.

نگاه کتاب مقدسی:

☀ تسلی خدا همین حالا در دسترس ما است، وقتی که قلب‌ها و ذهن‌هایمان را به سوی تدارک خدای جمیع تسلی‌ها برگردانیم.

تفاوت بین دو نگرش:

☀ دنیا: یک حالت فیزیکی از راحتی و رهایی از تمام دردها و محدودیت‌ها.

✪ کتاب مقدسی: تجربه کردن کفایت حضور عیسی در غم، درد و پریشانی‌های مان.

نمونه کتاب مقدسی از تجربه تسلی قوم از خدا:

۱. خود خدا تسلی دهنده است.

✪ مزورنویس می‌نویسد: «گرچه جسد و دل من زائل گردد، لیکن صخره دلم و حصه من خداست تا ابدالآباد.»
✪ ارمیا این تسلی را می‌شناخت: «کاش که از غم خود تسلی می‌یافتم. دل من در اندرونم ضعف به هم رسانیده است (ارمیا ۸: ۱۸ ترجمه قدیم).

۲. مشارکت مقدسین منبعی از تسلی خدا است.

✪ پولس اعلام می‌کند: «لیکن خدایی که تسلی دهنده افتادگان است، ما را به آمدن تیطس تسلی بخشید (دوم قرن تیان ۷: ۶ ترجمه قدیم).

۳. خدا ما را با مشارکتش در رنج‌های انسانی مان تسلی می‌دهد

✪ «متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که پدر رحمت‌ها و خدای جمیع تسلیات است (دوم قرن تیان ۱: ۳ ترجمه قدیم).

✪ «زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که نتواند همدرد ضعف‌های ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما بدون گناه» (عبرانیان ۴: ۱۵ ترجمه قدیم).

✪ «پس با دلیری نزدیک تخت فیض بیاییم تا رحمت بیاییم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت (ما را) اعانت کند» (عبرانیان ۴: ۱۶ ترجمه قدیم).

۴. خدا ما را با حضورش در رنج و ترس مان تسلی می‌دهد.
✪ «ما را در هر تنگی ما تسلی می‌دهد تا ما بتوانیم دیگران

را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم، به آن تسلی که خود از خدا یافته‌ایم» (دوم قرن تیان ۱: ۴ ترجمه قدیم)

۵. خدا ما را با وعده‌هایش تسلی می‌دهد.

✪ «زیرا به اندازه‌ای که دردهای مسیح در ما زیاده شود، به همین قسم تسلی ما نیز به وسیله مسیح می‌افزاید (دوم قرن تیان ۱: ۵ ترجمه قدیم).

✪ «عیسی بدو گفت: من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد (یوحنا ۱۱: ۲۵- ترجمه قدیم).

✪ از دست ندادنی‌ها از باب ۸ کتاب رومیان:

✪ هدف خدا از خواندگی ما- عادل شمردگی، جلال یافتن

✪ نجات ما

✪ محبت او

✪ پیروزی او بر گناه، مرگ و شرارت

۶. خدا ما را با تدارکاتی که برای مان دیده است تسلی می‌دهد.

✪ «و امید ما برای شما استوار می‌شود زیرا می‌دانیم که چنانکه شما شریک دردها هستید، همچنین شریک تسلی نیز خواهید بود» (دوم قرن تیان ۱: ۷- ترجمه قدیم).

✪ تسلی عیسی به شاگردان: «دل شما مضطرب نشود! به خدا ایمان آورید به من نیز ایمان آورید. در خانه پدر من منزل بسیار است والا به شما می‌گفتم. می‌روم تا برای شما مکانی حاضر کنم، باز می‌آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد تا جایی که من می‌باشم شما نیز باشید» (یوحنا ۱۴: ۱-۳- ترجمه قدیم).

نکات پایانی:

✪ او مکانی را برای بعد از سفر زمینی ما آماده کرده است.

✪ او خواهد آمد و شخصا ما را خواهد برد.

✪ ما در خانه او، در حضور خداوند خواهیم بود. ■



Persian Magazine published quarterly to encourage,
train, and equip Farsi speaking ministers
Summer 2016/ Volume 73

Our Distinctive:

With the dramatic growth of Iranian church inside and outside of Iran, We seek to

- be a beacon of light for the isolated servants of God who are seeking Biblical knowledge and wisdom for their ministry
- meet practical and spiritual needs of ministers
- encourage, strengthen, and enable ministers so that they become mature leaders for the Kingdom and advancement of the gospel
- Inform and equip God fearing men who are called to ministry so that they preach the biblical truth with clarity, balance, and maturity

**This edition of SHABAN Magazine is
dedicated to the memory of
Rev. Leonard Nathan Stewart.**



Founder: Rev. Ashton R. Stewart

Proofreading and Translation: Farhad Azad, Sarah Azad

Contributors: Julie Stewart, Ashton Stewart, Jeff Robinson, Kevin De Young, Colin Smith, Jason Helopoulos

Articles translated for this edition by Gospel Coalition: Christian Death: Mourn or Celebrate by Jason Helopoulos; Some Thoughts on Ministering to Sick and Dying by Kevin DeYoung; Three Ways to Preach Heaven by Colin Smith; Five Ways to Talk to Your Children About Death by Jeff Robinson

Published by Jude Project and TALIM Ministries

© Jude Project 2016



How to find us: Jude Project: P.O. BOX 532, Ashburn, VA 20146 / Telephone: +1- 571-242-0834
Fax: +1-303-8736216 / www.talimministries.org / www.judeproject.org / Email: order@judeproject.org



JUDE PROJECT

WHAT WE DO?

The Jude Project translates and publishes biblical training resources for Christians in the Middle East.

Sound biblical and theological resources are essential to the spiritual development. Few Christians in the Middle East have access to biblical training in their language. Imagine your spiritual journey without commentaries, Bible studies, or theology.

How different would your life be today? Our translations provide essential support for churches, missionaries, and individuals who work to advance the Gospel in the Middle East and around the world.

HOW WE HELP?

Our translations provide essential support for churches, missionaries, and individuals who work to advance the Gospel in the Middle East and around the world.

HOW CAN YOU HELP?

Your contributions sustain our ministry work.

HOW TO FIND US?

www.judeproject.org

order@judeproject.org

The Jude Project
PO Box 532
Ashburn, VA 20146



انتشارات جام
جهان ادبیات مسیحی

order@judeproject.org